



لیست و چرنی

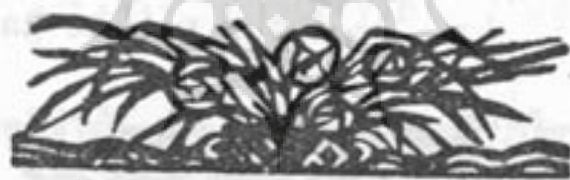
ترجمه از «موند موزیکال»

بیشتر کسانی که دست بنویسند تاریخ زندگانی لیست میزنند از کارل چرنی Carl Czerny که روزگاری عهده دار استادی وی بوده است جز نامی بیش نمبرند. برخی نیز چنان مینمایند که کوئی چرنی را در خور استادی لیست ندانسته و بلندی پایگاه ویرا در جهان موسیقی دریافته اند. گروهی هم برآنند که اصولا چرنی را نمیتوان موسیقی دان و آموزندمی پیانو نام نهاد و اگر لیست جوان در شاگردی وی اندکی دیرتر میباید با تمرینهای بیسرو ته و خشکی که ساعتهای پی در پی وی را بکار کردن بر روی آنها و امیداشت و با ساخته های «تهی و بیمغز» کلمنتی (Clementi) که برای نواختن بدو میداد شاید هیچگاه نمیتوانست پیانو را چنانکه باید خوب بنوازد. اینان برآستی کاسه هائی گرمتر از آشنند زیرا خود لیست تا پایان زندگانی پیوسته نخستین استاد خویش را سپاسگزار بوده و روش آموزشش را میستوده است. معاصرین چرنی نیز همواره در وی چون استاد و هنر پیشه ای زبردست مینگریسته اند. چرنی در پانزده سالگی (۱۸۰۶) با استادی پیانو نام یافته بود و شاگردان پیانواز گوشه و کنار بجانیش میشتافتند کم چرنی مشهورترین استاد پیانو در کشورهای

اروپا گردید چنانکه دیگر استادان نیز ساخته هایشرا بشاگردان خویش میآموختند و از روش آموزشش پیروی میکردند.

از آنکاه که لیست را بدو سپردند چرنی همچون پدری مهربان با وی رفتار مینمود و از هیچگونه پرستاری در باره اش فرو گذار نمیکرد چه وی برآستی خویشتن را مسئول پرورش استعداد موسیقی لیست میدانست و در خاطراتی که نگاشته است نیز از روش پدرانهی خود نسبت به « فرانزی Franzi » كوچك سخن میگوید .

چرنی میدانست که يك هنر پیشه‌ی جوان هر اندازه هم که دارای استعداد باشد بی راهنمایی يك استاد مهربان ، یا بهتر بگوئیم يك دوست بیغرض ، دلسوز و فداکار ، کاری از پیش نمیتواند برد . از همین رو در لیست بدیده‌ی فرزندى دلبنده مینگریست و از جان و دل در تربیتش میکوشید خود لیست بارها هنگامیکه از چرنی سخن بمیان میآمد ویرا « استاد عزیز » مینامید و بر این که نتوانسته بود مدت بیشتری در شاگردیش باقی ماند افسوس میخورد .



روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اینك سطری چند از خاطرات چرنی :

« در ۱۸۱۹ روزی باهرداد مردی بخانه ام آمد و کودکی که تقریباً هشت

ساله مینمود نیز با خود همراه داشت ، از من خواهش کرد پیانو نواختن كودك نامبرده را که بدیده‌ی وی بسیار با استعداد بود بشنوم ، پذیرفتم و او را پشت پیانو نشاندم .

كودك بارنگی پریده و دستی لرزان بنواختن آغاز کرد ، چنان بی نیرو مینواخت که هر دم میپنداشتم ممکن است از صندلی بر زمین افند ، در نواختن نیز روشی درهم و نامنظم

داشت و انگشت های (Doigté) نادرست بکار میبرد .

« باوجود این هر دیده‌ی تیزبین در زیر آنهمه نقص و خطا استعداد برجسته اش

را تشخیص میداد. بنا بخواهش پدرش نوشته‌ی موسیقی را که چندان از دشواری نیز
تهی نبود پیش چشم او نهادم، نخستین بار نواخت. چون پدرش میگفت در بداهه نوازی
(Improvisation) نیز دست دارد بدو گفتم از خود آهنگی بنوازد، با آنکه آنچه
نواخت از هر گونه قوانین فنی هارمنی و پیانو دور بود باز مرا خوش آمد و او را نوازش
بسیار کردم.

از گفته‌های پدرش دانستم که لیست (Liszt) نام دارد و نزد خانواده‌ی
استرهایزی (Esterhazy) بکار مشغول است، چون خود از موسیقی اندکی بهره دارد
فرزند خود (Feanz) را پیانو آموخته است ولی از آنجا که نمیتواند چنانکه باید ویرا
راهنمایی کند بر آنست که پس از یکسال بوین آمده در آنجا بماند و چنانچه بپذیرم
کودک خویش بمن سپارد.

چون چنانکه گفتم کودک را سخت مستعد مییافتم خواهشش را پذیرفتم
و بدانچه میخواست نویدش دادم. ضمناً همان روز چند تمرین برای خو گرفتن بانگشت
کناری گامها (Les gammes) به فراتر آموختم.



هنوز یکسال پسر فرسیده بود که لیست بوین باز گشته در خانه‌ی ای برابر
خانه‌ی من اقامت گزید و بدین ترتیب با «فرانزی» کوچک به درس آغاز کردم. چون
سراسر روزها را باشاگردان خود سرگرم بودم شبها با فرانز کار میکردم و وی با تندی
شگفت‌انگیزی پیش میرفت، برآستی در همه‌ی دوران آموزگاری خود شاگردی به پشت کار و
استعداد او ندیده‌ام.

بر اثر تجربه‌های که اندوخته بودم میدانستم کودکان با استعدادی که زود
توانائیهای غریزی خود را نشان میدهند با کوچکترین سهل انگاری استاد ممکن است

به «تکنیک» که پایه‌ی خوب نواختن است آنچنانکه باید توجه نکنند، از همین روفراتز را بکاری سخت و جدی بر روی تمرینهای منظم وی در پی تکنیکی واداشته بودم زیرا اطمینان داشتم با این ترتیب در آینده هر گونه دشواری تکنیکی برای وی همچون گذری سهل خواهد نمود.

در اندک مدتی بر نواختن همه‌ی گامها دست یافت و آنها را بطوری بانتهای متساوی و نرم و شیرین مینواخت که هر بیننده و شنونده‌ای را در شگفت میانداخت. بدیهی است دستپایش که کوئی برای اینکار ساخته شده بود نیز ویرا کمک میکرد از آن پس بآموختن سوناتهای کلمنتی (Les Sonates de Clementi) که نواختنش برای شاگردان پیانو بسیار لازم است آغاز کرد و پس از چند ماه ملدیها را آنچنان شیرین و دلچسب میزد که شنونده را از خود بیخود میساخت، از آن پس بآموزش ساخته‌های هومل Hummel، ریس Ries، باخ و بتهوون پرداختم، در این هنگام دیگر برر موز تکنیکی باندازه‌ای توانائی داشت که بهیچگونه بازرسی نیازمند نبود و من تنها سبک نواختن آهنگهای کونا کون (Style) را بوی میآموختم.



لیست کوچك توانائی شكیفت انگیزی در خواندن نوشته های موسیقی داشت و این توانائی روز بروز در وی رو بافزونی میرفت چنانکه کم کم نوشته های بسیار سخت را که هرگز نشنیده بود همچون آهنگی که بارها تمرین کرده و بدان آشنائی دارد مینواخت. من لیست را مانند پسر خود دوست داشتم و نه تنها برای درسهایی که بدو میدادم یاداشی از پدرش نمیخواستم بلکه تمام آهنگهای را که مورد نیاز وی بود نیز بدو هدیه کردم و بدین ترتیب کم کم فراتر برای خود دارای کتابخانه ای شده بود.

یکسال بدین طریق گذشت، فراتر بر اثر کوشش خود و توجه های من در

نواختن پیانو پیشرفته‌های عجیب کرده بود و با یکبار نواختن در حضور جمعیت چنان همگان را شفیته‌ی خود نمود که در وین تا مدتی جزاز « لیست کوچک » سخن نمی‌گفتند. سال دیگر پدرش کنسرتی برای وی ترتیب داد، برنامه کنسرت بطوری تنظیم شده بود که استعداد خارق‌العاده‌ی این نابغه‌ی خردسال را بهترین وجهی هویدا ساخت؛ دو کنسرتو در لا کوچک و درسی کوچک و هفت تائی (Septuor) ساخته‌ی هومل که در آن هنگام تازه انتشار یافته بود، چند آهنگ از ساخته‌های من و یک بداهه نوازی روی تمی (Thème) که بدو داده شده بود. در این کنسرت فرانسو سخت کامیابی یافت و مردم وین ویرا « موزار تازه » نامیدند.

ولی این شهرت چندان بسود وی تمام نشد زیرا پدرش را برآن داشت که از این رهگذری بدست آورد و درست در همان موقع که فرانسو میتوانست با گام‌های بزرگ در نواختن پیانو و ساختن آهنگ پیشرفته‌هایی شکفت انگیز کنده‌سافرتی برایش ترتیب داده او را با خود به هنگری، پاریس و لندن برد و بنواختن در کنسرت‌ها و داشت. سرانجام خانواده لیست در پاریس اقامت گزید و لیست در آنجا ازدادن کنسرت پولهای هنگفت فرا چنگ آورد ولی از این رهگذر چند سال از تحصیلات جدی عقب ماند و استعداد های وی در راه پیشرفت خود دچار وقفه گردید.

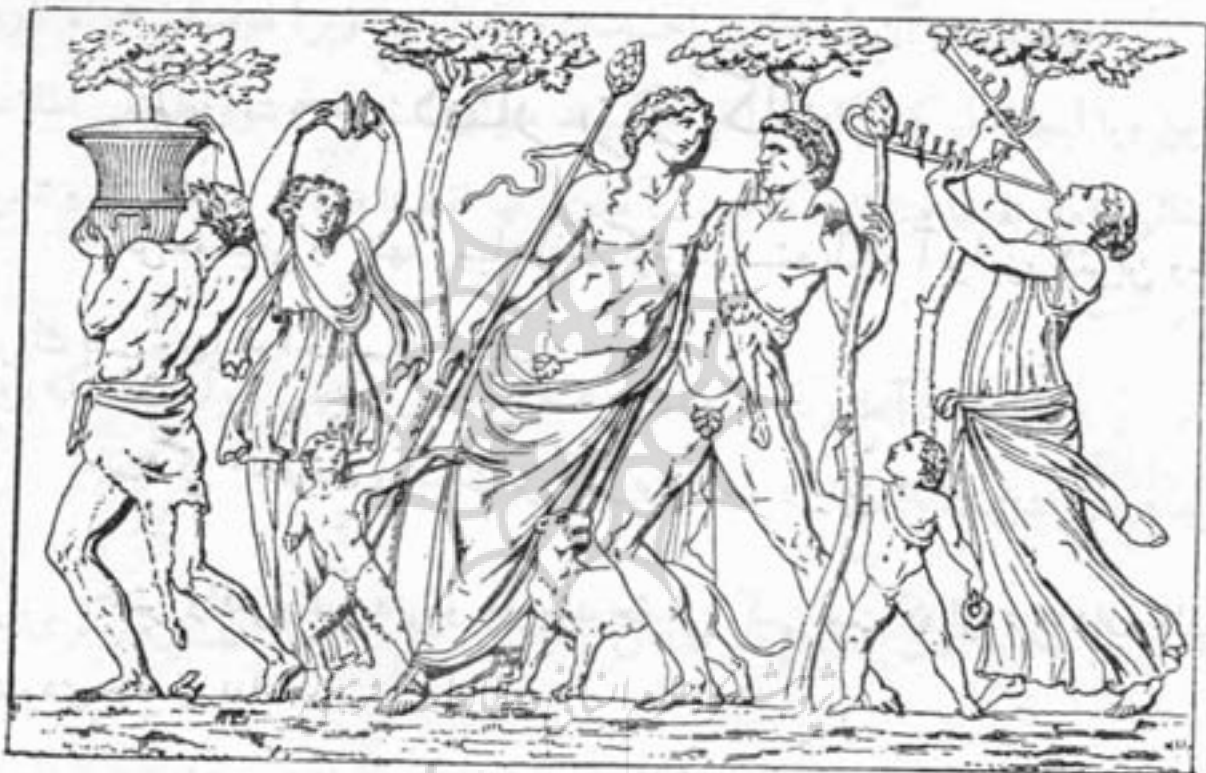
هنگامی که در سال ۱۸۳۷ پاریس رفتم با اینکه در نواختن پیانو جسارتی بیمانند یافته بود چون بی ترتیب و درهم میزد دست اندوهگین شدم و ویرا بکار درست و تمرین منظم اندرز دادم، یکسال بعد که برای کنسرت به وین آمد برآستی خوب و بی نقص نواخت و دانستم که اندرزهای پدرانه‌ی مرا بکار بسته است.

شهرت لیست کم کم رو بافرونی رفت و وی در دنیای موسیقی پایه‌ای ارجمند یافت ولی من همواره بر این عقیده‌ام که لیست در خور پایه‌ای بس بلندتر از این بود و بویژه اگر تحصیلات خود را در رشته کمپوزیسیون جدی تر و عاقلانه تر دنبال میکرد بهترین

و بر جسته ترین آهنگها را در دسترس دوستداران موسیقی مینهاد «

چرنی ناپایان زندگانی همه جا لیست را « شاگرد درخشان » خود میخواند
و ویرا میستود ، لیست نیز چنانکه از نوشته های خودش بر میآید هیچگاه آنچه را که چرنی
باروش استادانه ی خود در آموزش پیانو بدو بخشیده بود فراموش نمیکرد .

ح . سنجری



رتال جامع علوم انسانی